

دو کنفرانس امنیتی تهران و واشینگتن، تهدیدی برای بشریت

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

اخیرا کنفرانسی با عنوان «انرژی هسته ای برای همه، سلاح هسته ای برای هیچ کس» به مدت دو روزه در تهران برگزار شد. در همین زمان، کنفرانس امنیتی واشینگتن برگزار شد که عمده ترین دستور کار آن راه های پیشگیری از «تروریسم هسته ای» بود. باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا درباره جهانی عاری از جنگ افزارهای هسته ای سخن گفت.

در واقع هدف اصلی هر دو کنفرانس، در رابطه با مساله هسته ای بود که اساسا در رابطه با رقابت ها و منافع دولت ها سازمان دهی و برگزار شدند. این کنفرانس ها، نه تنها هیچ نفعی برای بشریت ندارند، بلکه بر عکس بار دیگر این نگرانی را در نزد افکار عمومی مردم جهان به وجود آورده است که آیا جنگ دیگری در راه است؟!

کنفرانسی که با صرف هزینه کلان در تهران برگزار شد، رسوایی بزرگی برای حکومت اسلامی به بار آورد و بار دیگر انزوای جهانی این حکومت جهل و جنایت را به نمایش گذاشت. حکومتی که نه تنها اکثریت مردم ایران، بلکه اکثریت مردم جهان نیز از آن نفرت دارند. در کنفرانس تهران، حتا دولت های روسیه و چین که بیش از دیگر کشورهای جهان، معاملات اقتصادی و نظامی با ایران دارند، هیچ وزیری را به این کنفرانس نفرستادند.

در حالی که سران روسیه و چین، در سطح بالایی در کنفرانس واشینگتن شرکت کردند که بحث های بیش تر آن مربوط به محدودکردن کشورهای چینی چون ایران اختصاص داشت.

هیات حاکمه آمریکا، تنها دولت در جهان است که برای اولین بار در تاریخ، از بمب اتمی استفاده کرد و بر سر مردم هیروشیما و ناکازاکی بمب اتم پرتاب کرد. و در این شهرهای ژاپن، ده ها هزاران انسان را به خاک و خون کشید که هنوز هم عوارض و عواقب مخرب و هولناک آن پایان نیافته است، در حال حاضر نیز جنگ این ابرقدرت و متحدانش در عراق و افغانستان ادامه دارد.

خواست سران حکومت اسلامی مبنی بر خلع سلاح هسته ای، تزویر و ریاکاری بیش نیست. زیرا این حکومت، همواره در تلاش است به سلاح اتمی مسلح شود. حکومت اسلامی ایران، سی و یک سال است اکثریت مردم ایران را از هرگونه آزادی های فردی و جمعی، آزادی بیان و تشکل محروم کرده و ده ها هزار انسان را به جوخه های مرگ سپرده است. این حکومت، در سطح منطقه ای و بین المللی نیز مدافع تروریسم و جنگ است.

کنفرانس تهران

مقامات حکومت اسلامی، روزهای پیش از شروع کنفرانس تهران، ادعا کرده بودند که این کنفرانس با حضور وزرای خارجه ۵۰ کشور برگزار خواهد شد، در حالی که هیچ رییس جمهور و یا نخست وزیری در آن شرکت نداشت. سپس اعلام کردند که ۱۴ وزیر خارجه در نشست تهران حضور خواهند یافت اما در آستانه برگزاری این نشست خبرگزاری های دولتی گفتند که هفت وزیر خارجه در نشست حضور یافته اند.

این هفت وزیر خارجه عبارتند از: وزیران خارجه دو کشور آفریقایی سوازیلند و آفریقای مرکزی، وزیر خارجه ترکمنستان، وزیر مشاور در امور خارجه عمان و وزرای خارجه سه کشور عربی لبنان، سوریه و عراق.

بر اساس گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، وزیر خارجه سوازیلند قبل از نشست تهران، با هدف افتتاح سفارت این کشور آفریقایی به تهران آمده بود در این کنفرانس نیز شرکت کرد.

وزرای خارجه چین و روسیه نیز که روابط بهتری با حکومت اسلامی ایران دارند به نشست تهران نیامدند و فقط مشاورانی را به این کنفرانس فرستادند.

از ۲۲ کشور عربی نیز فقط چهار کشور عراق، عمان، لبنان و سوریه وزیران خارجه خود را به کنفرانس تهران فرستادند. هم چنین هیچ کدام از همسایگان ایران، یعنی پاکستان، ترکیه، آذربایجان و افغانستان نیز در این کنفرانس حضور نداشتند. علاوه بر این ها، حتا وزرای خارجه ونزوئلا، بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه نیز که روابط خوبی با حکومت اسلامی دارند، به این کنفرانس نیامده بودند.

در آغاز کنفرانس هسته ای تهران، پیام آیت‌الله خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی، خطاب به شرکت‌کنندگان در این کنفرانس قرائت شد که در آن کاربرد سلاح های کشتار جمعی و هسته ای «حرام» و تلاش برای خلع سلاح هسته ای «وظیفه ای همگانی» توصیف شده است. آیت‌الله خامنه ای، هم چنین در این پیام خود به آمریکا و اسرائیل نیز شدیداً حمله کرده است.

محمود احمدی نژاد، در این کنفرانس، خواستار آن شد که کشورهای دارنده سلاح های هسته ای از عضویت در آژانس بین‌المللی انرژی هسته ای و شورای حکام تعلیق شود.

احمدی نژاد، این مطلب را در افتتاحیه کنفرانس تهران عنوان کرد و افزود که حضور کشورهای دارنده، استفاده کننده و تهیه‌کننده سلاح های هسته ای در آژانس، «باعث انحراف آژانس از ماموریت های قانونی خود شده است.»

او، در این سخنان بار دیگر خواستار اصلاح ساختار شورای امنیت شد و با ناعادلانه و ناکارآمد خواندن ترکیب کنونی این شورا، خواستار حذف حق وتو یا اختصاص آن به کشورهایی که مشی مستقل تری دارند شد.

رئیس جمهور حکومت اسلامی، هم چنین خواستار آن شد که کارگروه بین‌المللی مستقلی از سوی سازمان ملل برای خلع سلاح هسته ای و جلوگیری از اشاعه آن تشکیل شود و تاکید کرد که در این کارگروه باید «همه کشورهای مستقل» عضویت داشته باشند. به قول معروف شخصی را به ده راه نمی دادند اما ادعای کدخدایی داشت.

کنفرانس واشینگتن

یک هفته پس از امضای پیمان کاهش سلاح های هسته ای موسوم به «استارت ۲» در پراگ، دولت آمریکا میزبان سران نزدیک به ۵۰ کشور جهان بود که به منظور شرکت در کنفرانس امنیت اتمی به واشینگتن سفر کردند. برنامه اتمی ایران و کره شمالی در ردیف مهم ترین مسائل مورد گفتگو طی دیدارهای دو جانبه اوپاما با سران کشورهای میهمان قرار داشت.

کنفرانس بر امنیت اتمی در واشینگتن، بزرگ ترین گردهمایی سران کشورها طی ۶۰ سال اخیر محسوب می شود. هدف کنفرانس، بررسی راهکارهای مقابله با تروریسم اتمی و هم چنین حفاظت از مواد خطرناک هسته ای در جهان بود.

رئیس جمهور آمریکا، طی ملاقات های دو جانبه با رهبران کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس واشینگتن تلاش کرد با استفاده از هماهنگی نسبی ایجاد شده در نظام جهانی، زمینه اعمال فشارهای بیش تر علیه حکومت اسلامی را فراهم آورد.

دیدار اوپاما با هوجیانائو رئیس جمهور چین، پیش از آغاز رسمی کنفرانس، از جمله مهم ترین دیدارهای حاشیه ای کنفرانس امنیت اتمی واشینگتن به شمار می رود. چین، با شرکت در جلسه هفته قبل گروه ۵+۱ در نیویورک نشان داد که سیاست های خود را در قبال مخالفت با تصویب قطعنامه تحریمی تازه در شورای امنیت علیه ایران مورد تجدید نظر قرار داده است.

باراک اوپاما، در دیدار ۹۰ دقیقه ای خود با هو جینتائو، درباره راه های متقاعد ساختن ایران به چشم پوشی کردن از برنامه اتمی جنجال برانگیزش رایزنی کردند.

بر اساس اعلام منابع آمریکایی، در این دیدار طرف چینی پس از ماه ها مخالفت با تشدید تحریم ها برای حمایت از دوره تازه تحریم های شورای امنیت علیه ایران اعلام آمادگی کرده است.

هم چنین مشاوران سیاست خارجی کشورهای آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان نیز در حاشیه کنفرانس واشینگتن درباره تشدید تحریم ها علیه ایران مذاکره کردند.

در ادامه کنفرانس امنیت هسته ای واشینگتن، روز سه شنبه بیانیه مشترکی از سوی کشورهای شرکت‌کننده منتشر شد. رهبران و سران کشورهای حاضر در این کنفرانس، در این بیانیه متعهد شده‌اند که برای کنترل تمام «مواد هسته ای حفاظت نشده» در چهار سال آینده تلاش کنند و برای مقابله با قاچاق مواد هسته ای نیز بکوشند.

ماه آینده نیز قرار است کنفرانس اتمی دیگری در نیویورک، برگزار شود که موضوع اصلی آن، بازنگری پیمان منع گسترش سلاح های اتمی (ان پی تی) است. هدف بازنگری ان پی تی، موثرتر ساختن روش های پیشگیری از اشاعه سلاح های هسته ای است.

تنش تازه بر سر برنامه هسته ای حکومت اسلامی ایران در ماه های اخیر، با اعلام تصمیم ایران به تولید داخلی اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی، آغاز شد و قدرت های غربی، بار دیگر رایش های را برای اتخاذ دور جدیدی از تحریم های اقتصادی علیه ایران آغاز کردند.

شورای امنیت سازمان ملل تاکنون سه قطعنامه تحریمی علیه ایران، تصویب کرده است. در حالی که چین و روسیه هنوز صریحا از دور جدید تحریم ها حمایت نکرده اند، اما دولت های غربی امیدوارند که در هفته های آینده، تحریم های سخت تری علیه ایران به تصویب شورای امنیت برسد.

حکومت اسلامی ایران، به دلیل این که با روسیه و چین روابط اقتصادی و نظامی گسترده ای دارد تصور می کند که آن ها، هم چنان پشت حکومت اسلامی خواهند ایستاد. در حالی که نهایت امر نه روسیه و نه چین به دلیل منافع کلانی که در ارتباط با دولت های عربی دارند هرگز این منافع خود را قربانی دفاع از فعالیت های هسته ای حکومت اسلامی نخواهند کرد.

سران ایران و آمریکا، در حال حاضر در یک مسابقه بین المللی شرکت دارند. پس از انتخاب اوپاما به ریاست جمهوری آمریکا، تا حدودی تنش بین سران آمریکا و حکومت اسلامی کم شده بود. اما راهداف سلطه جویانه و امپریالیستی سران آمریکا از یک سو و تلاش های سران حکومت اسلامی برای دست یابی به سلاح هسته ای و هم چنین مواضع و سخنان تحریک آمیز خامنه ای و احمدی نژاد، زمینه را برای تشنج جدید مساعدتر کرده اند.

تحریم های اقتصادی علیه ایران، روزبروز سنگین تر می شوند. این مساله یکی از عوامل ورشکستگی صنایع ایران و بی کارسازی های وسیع نیروی کار در سطح کشور است. برای مثال، هنوز یک ماه از سال جدید نگذشته گرانی و تورم کمرشکن شده و هزاران کارگر در این مدت از کار اخراج شده اند.

ایده جدید سران دولت های اروپایی این است که خرید نفت ایران در بازارهای جهانی کاهش داده شود. البته مدت هاست که این ایده بی سرو صدا از سوی برخی کشورها و شرکت های بین المللی عملی شده است. گفته می شود سطح خرید بیش از دو میلیون بشکه نفتی که حکومت اسلامی در روز به فروش می رساند اکنون به سطح ۱/۲ میلیون بشکه کاهش یافته است. هم چنین گفته می شود طراح این ایده، سرکوزی، رییس جمهوری فرانسه است. این طرح که آمریکا و المان نیز با آن موافقت دارند نیازی به تصویب قطعنامه سازمان ملل و اتحادیه اروپا ندارد است.

اخیرا رادیو فرانسه، اعلام کرده است به گفته یک منبع، نوزده نفتکش غول پیکر موسوم به «نفت کش حمل نفت خام بسیار بزرگ» و یک نفتکش «سوز ماکس» به انبار تبدیل شده است حال آن که در پایان ماه مارس تنها دوازده «نفت کش حمل نفت خام بسیار بزرگ» انبار شده بود.

جان لاین، گزارشگر بی بی سی نیز گفته است با افزایش فشارهای جهانی بر برنامه های اتمی ایران شواهدی وجود دارد که نشان می دهد آمریکا تلاش های بیش تری برای انزوای اقتصادی ایران به کار گرفته است.

طی هفته های اخیر کشورها و شرکت های گوناگونی واردات نفت خام خود را از ایران کاهش داده اند. برخی از شرکای تجاری اصلی ایران از جمله چین، ژاپن و هند در بین این کشورها هستند.

از طرف دیگر شرکت های بیش تری فروش بنزین به ایران را متوقف کرده اند. ایران بخش قابل توجهی از بنزین مصرفی خود را از خارج وارد می کند.

ویلیام برنز معاون وزارت خارجه آمریکا به کمیته ای در کنگره آمریکا گفت: «ما کوشش می کنیم از هر اهرمی که در اختیار داریم برای قطع رابطه شرکت های خارجی با اقتصاد ایران استفاده کنیم.» کیت دوریان تحلیلگر انرژی موسسه پلتر در دبی می گوید: «افراد معدودی حاضرند مستقیماً با ایران وارد معامله شوند.»

حتا حمید حسینی، رییس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی ایران، گفته است که صادرات نفت ایران به چین، ژاپن و هند کاهش یافته است.

حسینی، گفته است چین واردات نفت خود از ایران را از ۴۰۰ هزار بشکه به ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داده است.

ژاپن نیز خبر از کم کردن واردات نفت خام خود از ایران داده است. شرکت هند ریلاینس هم معاملات خود با ایران را کاهش داده و یا حتی قطع کرده است.

به گزارش ایسنا خبرگزاری دانش جویان ایران، ریلاینس روزانه بین ۹۰ تا ۱۰۰ هزار بشکه نفت از ایران می خرید.

ریلاینس، هم چنین یکی از تامین کنندگان اصلی بنزین به ایران بود. این شرکت یکی از شرکت های است که به دلیل فشار سیاسی معاملات خود با ایران را قطع و یا حداقل کاهش داده است. شرکت روسی لوک اویل، بی پی، شل، ویتول، گلنکور، ترفیگورا و آی پی جی نیز جزء این کمپانی ها هستند.

شرکت خودروسازی دایملر، اعلام کرد که از ایران خارج می شود. بر اساس برخی از تحلیل های مفسران غربی، از آمار بانک مرکزی ایران، کاهش درآمد نفتی ذخایر ارزی این کشور را به طور جدی کاهش داده است. هزینه های زیاد محمود احمدی نژاد نیز اوضاع را وخیم تر کرده است. اکنون او حتی در بین بسیاری از محافظه کاران نیز از محبوبیت ناچیزی برخوردار است.

ایران با وجود این که از ذخایر عظیم نفت رو گاز برخوردار است اما از تجهیزات لازم برای پالایش آن برخوردار نیست و به همین دلیل دائماً با بحران بنزین در کشور روبرو است.

برای مثال، به گزارش خبرگزاری های ایران، اخراج های گسترده در عسلویه تعداد کارگران را از ۴۰ هزار نفر در سال ۸۳ به ۴ هزار نفر کاهش داده است.

بر اساس این گزارش، موج بی کاری و اخراج کارگران از پروژه های منطقه پارس جنوبی در پی رکود اقتصادی در این منطقه اتفاق افتاده است.

به گزارش سایت کلمه، این کاهش ۹۰ درصدی در تعداد شاغلان در این منطقه اقتصادی انرژی کشور نشان دهنده کاهش شدید فعالیت های اقتصادی و عمرانی است. این در حالی است که منطقه پارس جنوبی و عسلویه به عنوان قطب صنعت انرژی ایران شناخته می شود. اکنون موج اعتراضات کارگری در ایران، شدت گرفته و میزان بی کاری و اخراج کارگران از شتاب فزاینده ای برخوردار شده است.

روزنامه آفتاب یزد، در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۸۹، به نقل از نماینده دهلران در مجلس شورای اسلامی نوشت: «... معضل اول و آخر کشور را اشتغال نیروی کار عنوان کرد.» علی عزتی، در نطق میان دستور خود با بیان این که موضوع بی کاری و نرخ آن به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی است، گفت: «در کشور ما وضعیت بی کاری جدی تر است؛ چرا که بالای ۶۰ درصد از جمعیت ما جمعیت جوان است و شك نیست که اولین اولویت هر جوان اشتغال است.» عزتی، خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که بالغ بر ۹۵ درصد از تماس های تلفنی و مکاتبات و ملاقات های صورت گرفته با مردم در ارتباط با رفع بی کاری جوانان تحصیل کرده است و آیا با فرد یا افرادی برخورد داشته اید که از بی کاری فرزند و فرزندانش اشك نریزد و آیا با پاك کردن صورت مساله نتیجه ای حاصل می شود؟ آیا از خود پرسیده ایم که مجلس شورای اسلامی که در برابر هر موضوع كوچك و بزرگی که اتفاق افتاده یا می افتد با تشکیل کمیته و

کمیسیون های مختلف از خود واکنش نشان می دهد چرا در مقابل این معضل واکنش مثبتی از خود بروز نمی دهد؟»

مسلم است برکناری حکومت اسلامی، امر مستقیم مردم آزادی خواه ایران است نه امر دولت های دیگر. از این رو، اگر دولت های قدرتمند غربی، به معنای واقعی طرفدار دموکراسی و آزادی و صلح در جهان هستند به جای تحریم اقتصادی ایران و احیانا حمله نظامی به این کشور که آوار مخرب و هولناک آن مستقیما بر سر مردم خواهد ریخت، بایکوت سیاسی این حکومت را دنبال کنند. مثلا سفارتخانه ها و کنسولگری ها و مراکز فرهنگی و غیره حکومت اسلامی را که مراکز جاسوسی و تهدید و ترور هستند را در کشورهایشان تعطیل کنند و تروریست - دیپلمات های آن را از کشورهای خود اخراج نمایند؛ مانع رفت و آمد سران و مقامات حکومت اسلامی به کشورهای دیگر شوند؛ تعقیب بین المللی سران و مقامات عالی رتبه این حکومت را به دلیل جنایت علیه بشریت رسماً اعلام و پیگیری نمایند؛ رسانه هایشان مبارزات واقعی مردم را انعکاس دهند نه این که مقامات سیاسی و امنیتی دیروزی حکومت اسلامی چون ابراهیم نبوی، سازگارا، گنجی و... را به عنوان فعال حقوق بشر و کارشناس و غیره به جامعه ایران غالب کنند. و یا با اعطای جوایزی به آن ها، افکار عمومی را منحرف سازند. چرا تاکنون این دولت ها و نهادهایشان به یکی از هزاران زندانی سیاسی زن و مرد که سال ها در زندان های حکومت اسلامی در زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داشتند و بعد از آزادی به خارج کشور آمده اند با نوشتن کتاب، مقاله، شرکت در سمینارها، میزگردهای رادیویی، تلویزیونی و برگزاری نمایشگاه عکس و ساختن فیلم و غیره جنایات حکومت اسلامی را به گوش افکار عمومی مردم رسانده و خواهان برچیده شدن بساط کل حکومت اسلامی هستند، جایزه ای اعطا نکرده اند؟! آن جریانات و کسانی که برای ابراهیم نبوی ها جلسه برگزار می کنند و بساط مهمانی راه می اندازند هم سفره این جانیان می شوند. این ها نه تنها با این اقدامات خود، نزدیکی سیاسی شان را رسماً به جناحی از حکومت اسلامی نشان می دهند، بلکه روز روشن نیز بر چشم مردم خاک می پاشند تا واقعیت ها را نبینند. اما واقعیت ها، آن چنان آشکار و گسترده است که با این سیاست بازی های اپورتونیست ها و نان به نرخ روزخورها، هرگز قابل پرده پوشی نیستند.

اساساً حکومت اسلامی در کلیت خود و با همه جناح ها و مقاماتش، یک حکومت جانی، آدمکش و تروریست است که تاکنون ده ها هزار تن از مردم ایران را به جوخه های مرگ سپرده است که هیچ جرمی جز دفاع از حرمت و موجودیت انسان و عدالت خواهی و آزادی خواهی مرتکب نشده بودند. این حکومت جانی، سی و یک سال است با همکاری تنها دولت هایی روسیه و چین، بلکه با همکاری دولت های غربی نیز به جنایت خود علیه مردم ایران ادامه می دهد. این دولت ها از یک طرف زیر پای سران حکومت اسلامی فرش قرمز پهن می کنند و میزبان آن ها می شوند و از سوی دیگر، به نقض دایمی حقوق مردم ایران چشم بسته و فقط فعالیت های اتمی حکومت اسلامی را برجسته می کنند.

اکنون اکثریت مردم ایران، به دلیل رقابت های میلتاریستی حکومت اسلامی و دولت های قدرتمند، به دلیل تحریم های اقتصادی شدیدتر و احتمال حمله نظامی، در ترس و نگرانی دایمی به سر می برند. اما این مردم خود را قربانی این رقابت های بورژوازی نمی بینند و دست کم در سال ۱۳۸۸ با اعتراضات میلیونی خود علیه حکومت اسلامی، در عمل نشان داده اند که با قدرت انسانی و همبستگی و اتحاد مبارزات خود، این حکومت را نیز چون حکومت گذشته، روانه گورستان تاریخ خواهند کرد! بر اساس گزارشات، در سراسر جهان حدود هزار و پانصد تن اورانیوم با غنای بالا که قابلیت کاربرد در ساخت جنگ افزارهای هسته ای را دارد، و نیز ۶۰۰ تن پلوتونیوم وجود دارد که کنترل این مواد هسته ای خطرناک و جلوگیری از دسترسی گروه های تروریستی به آن در محور مذاکرات کنفرانس امنیت هسته ای واشینگتن بود.

مسلم است که تنها مردم آزادی خواه و در پیشاپیش همه طبقه کارگر آگاه و متشکل و مبارز با اتحاد بین المللی خود، قادر است دولت ها را در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از جمله در زمینه خلع سلاح عمومی و نابودی سلاح های اتمی و شیمیایی به عقب نشینی وادار سازد و سرانجام با

مبارزه پیگیر خود، همبستگی انسانی را جایگزین رقابت های بورژوازی و جنگ و کشتار و سلطه گری آن ها نماید.

سی و یکم فروردین ۱۳۸۹ - بیستم آوریل ۲۰۱۰

منبع: سایت دیدگاه